



بررسی خلاقیت دانش‌آموزان با نگرش‌های فرزند پروری والدین در مدارس مقطع ابتدایی شهر یاسوج

مهشید رستار^۱، فاطمه رهبر^۲، صدیقه مرادی حسین آباد^۳

چکیده

هدف تحقیق بررسی خلاقیت دانش‌آموزان با نگرش‌های فرزند پروری والدین در مدارس مقطع ابتدایی شهر یاسوج است. به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق، اطلاعات مورد نیاز از طریق اجرای دو پرسشنامه به شرح زیر جمع‌آوری شده است. 1- آزمون زمینه‌یابی مداد کاغذی چند جوابی سنجش خلاقیت 2- پرسشنامه زمینه‌یابی ارزشیابی نگرش والدین جامعه و نمونه آماری را 209 نفر پسر و 218 دختر (جمعاً 427 نفر) و والدین آن‌ها تشکیل داده است. تجزیه و تحلیل نتایج و داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی مثل فراوانی، میانگین، ضریب همبستگی پیرسون، انحراف معیار، آزمون t، تحلیل واریانس و... به وسیله بسته نرم‌افزار آماری SPSS13 صورت گرفته است. نتایج تحقیق حاکی است 11/6٪ دانش‌آموزان خلاقیت بسیار زیاد، 42/2٪ خلاقیت زیاد، 28/7٪ خلاقیت کم و 17/5٪ خلاقیت بسیار کم از خود نشان دادند که 53/8٪ بالاتر از حد متوسط و 46/2٪ نیز پائین تر از حد متوسط می‌باشد. اکثریت والدین (92/5٪) نیز نگرش حد متوسطی به رشد خلاقیت فرزندان دارند. از نظر شیوه‌های فرزند پروری و میزان خلاقیت دانش‌آموزان رابطه آماری معنی‌داری به دست نیامده است ($t=20\%$). یعنی والدین دیدگاه‌های تربیتی روشن و جهت‌داری که بتواند رشد قوه ابتکار و نوآوری کودکان را پشتیبانی و حمایت کند نداشته و در تربیت فرزندان گرایش‌های شدیداً محافظه‌کارانه‌ای دارند که احتمالاً می‌تواند دلیلی بر تقدم و اهمیت موفقیت تحصیلی بر رشد خلاقیت باشد. ارتباط برخی از عوامل تشکیل‌دهنده خلاقیت با نگرش‌های والدین، جنسیت دانش‌آموزان، تحصیلات و شغل والدین، وضعیت رفاهی خانواده‌ها و... که مربوط به فرضیه‌های فرعی تحقیق می‌باشد قابل توجه است.

واژه‌های کلیدی: خلاقیت، سبک‌های فرزند پروری، نگرش

¹ نویسنده مسئول: کارشناسی، رشته علوم تربیتی، فرهنگیان پردیس کوثر یاسوج، mahshidrastar@gmail.com

² لیسانس، رشته علوم قرآنی گرایش تفسیر، دانشگاه امام حسین (ع) یاسوج، fatmhfatmhrhrbr@gmail.com

³ لیسانس، رشته علوم قرآنی، دانشگاه امام حسین یاسوج، moradisadigh1975@gmail.com

1_ مقدمه

به عقیده سی تی مورگان و همکارانش، خلاقیت و نوآوری و توانایی حل مسئله در بالاترین سطح فعالیت‌های شناختی انسان قرار دارند و ایجاد توان خلاقیت و حل مسئله در یادگیرندگان از ارزشمندترین غایت‌های پرورشی و فرهنگی می‌باشد زیرا تنها از راه ایجاد این توانایی‌هاست که می‌توان افراد را برای مقابله با شرایط سخت و متغییر زندگی و موقعیت‌های جدید که مرتباً با آن روبرو می‌شوند، آماده کرد. با درک چنین حقیقتی است که کوفی عنان دبیر کل وقت سازمان ملل متحد می‌گوید "هیچ چیز باشکوه‌تر از فراهم آوردن شرایط بهبود زندگی انسان‌ها نیست این مهم میسر نیست مگر با ابتکار. یا بقول اوپنهامیر تنها راه سازگاری مؤثر در زندگی، استفاده حداکثر از نیروی آفرینندگی است (مویدنیا، ص 33). بی‌تردید می‌توان گفت فرهنگ و تمدن بشری بیش از هر چیز دیگر مدیون فکر و اندیشه انسان به‌ویژه جنبه خلاقانه آن است. به عبارتی شاید بتوان گفت بدون خلاقیت، اصولاً یا فرهنگ و تمدنی وجود نداشت و یا اینکه ارزشمندی و سودمندی آن هرگز به این گستردگی و جذابیت نبود، بنابراین امکانات، رفاه و قدرت انسان نیز بسیار محدود می‌شد. درواقع بسیاری از دست آوردهای جالب‌توجه زندگی انسان در هر زمان اعم از مادی و معنوی مثل خلق آثار تاریخی، اختراع ماشین، ارائه نظریات علمی، آفرینش آثار ادبی و هنری و... چیزی جز نتیجه فرآیند تفکر خلاقانه نمی‌باشد. بسیار جالب خواهد بود در صورتیکه ما یک نوع زندگی برای انسان تصور نمائیم که در آن خبری از خلاقیت و نوآوری نباشد طبیعی است در آن صورت دنیای ما بسیار سرد، ساده، ساکت، بدون شور و شاید کم‌وبیش شبیه دنیای سایر موجودات زنده (مثل دنیای حیوانات) می‌بود، حتی اگر همین مقدار هوش، توانایی و استعداد انسانی نیز وجود می‌داشت. بنابراین به قول شکسپیر "ابتکار انسان را برتر از حیوانات قرار می‌دهد" (موید نیا، 1384، ص 163). به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت اگر زندگی انسان بدون خلاقیت و نوآوری بود بی‌شک کشتی هستی در دریای متلاطم مسائل، مشکلات، نیازها، محدودیت‌ها و... توان شناوری نمی‌یافت. بنابراین، افتخار داشتن قدرت خلاقیت و نتایج فوق‌العاده شکوهمند و هیجان‌انگیز آن به‌عنوان موهبت الهی اختصاص به نوع بشر داشته و تقریباً سایر موجودات از آن محروم هستند.

به‌طور کلی پرداختن به موضوع خلاقیت از آن جهت مهم به نظر می‌رسد که واقعاً سهم بزرگی از جریان پیشرفت‌های علمی - صنعتی در دنیا، دست آوردهای تمدن بشری، آسایش و شکوه زندگی انسان محصول تفکر خلاقانه محسوب می‌شود، زیرا بدون ابداع و نوآوری عرصه زندگی برای همه به‌اندازه کافی سرد و بی‌تحرك بوده و حیات بشر نیز خیلی بیش از این ساده و همراه با رنج و زحمت همراه می‌شد. فلذا توجه به چنین امر خطیری، دقیقاً به معنی توجه به سرنوشت زندگی اجتماعی بشر و آینده جوامع است. امروزه اندیشمندان بزرگی چون الوین تافلر (1980) از نتیجه محرومیت اجتماعی خلاقیت که می‌تواند ناشی از ناکارآمدی نهاد آموزش و پرورش باشد یاد کرده و تصریح می‌کند این وظیفه مهم و خطیر نهاد آموزش و پرورش است که بتواند تعادلی مطلوب بین ثبات و تغییرات مطلوب در جامعه ایجاد نماید و گرنه دچار "شوک آینده"⁴ خواهیم شد (الوین تافلر⁵، 1373، ص 500). طبیعی است جوامع توسعه‌نیافته و درحال توسعه، نه تنها سهم قابل‌توجهی از جریان تولید فکر و آثار عینی خلاقیت بشری ندارند بلکه بیشتر مصرف‌کننده محصول خلاقیت دیگران هستند البته این ادعا به معنی نفی مطلق وجود خلاقیت در چنین جوامعی نیست بلکه مراد آن است که برآیند کلی موضوع در مجموع دست آورد قابل‌توجه و جالبی در مقام مقایسه ندارد. بنابراین اتخاذ سیاست‌ها و تنظیم برنامه‌های آموزشی مبتنی بر رشد خلاقیت فکری و عملی یادگیرندگان باید از اهم اولویت‌های نظام آموزشی کشورهای مذکور مثل کشور ما باشد.

برخی کودکان به خاطر متوسطه و تشویق والدین و معلم‌هایشان، قدرت خلاقه خود را بسط و تکامل می‌بخشند و برخی دیگر درحالی‌که همان قدرت خلاقه را دارند از این تکامل محروم می‌مانند (رواندوست، 1364، ص 45). علمای تعلیم و تربیت به‌یقین دریافته‌اند که اثرات منفی آموزش تحمیلی بسته و یکنواخت در مدارس در حدی است که استعدادها و قدرت‌ها را از بین می‌برد. نقش مدرسه به‌هیچ‌وجه این نیست که نوارهای ضبط‌صوت تولید کند، بلکه بزرگ‌ترین وظیفه آن پرورش و توسعه قدرت تفکر، خلاقیت و مهارت‌های یادگیری در انسان است (خمارلو، 1370، ص 7). بنابراین مهارت‌های تفکر خلاق باید به‌عنوان مهم‌ترین مهارت‌های سازگاری و قابلیت انطباق شناخته شود. چنین مهارت‌هایی باید برای مواد درسی مدارس، خانواده‌ها، صنعت و سایر موسسات، اساسی و ضروری تلقی گردد (تورنس، 1979، ص 24). کلیات رئوس برنامه‌های آموزشی و مفاد درسی در نظام آموزشی کشورمان تقریباً به‌صورتی تنظیم شده

⁴ - Future shock

⁵ - Alvin Toffler

است که عمدتاً از قبل همه پاسخها و روشهای حل مسائل مشخص بوده و نقش معلم و دانش آموز نیز بر اساس الگوهای معین تدریس و آموزش تعیین شده است بنابراین فرصت بروز خلاقیت برای دانش آموزان و معلمین یا وجود ندارد و یا اعتنای کافی به آن نمی شود. حتی ممکن است در برخی شرایط، بروز پاسخها و عملکردهای خلاقانه دانش آموزان توسط معلمین، والدین و اولیاء مدارس سرکوب نیز بشود. در نظام آموزشی ما که نهایتاً دانش آموزان با نمره عددی مورد ارزیابی قرار گرفته، آزمون و امتحان اساس ارزیابی پیشرفت تحصیلی محسوب می شود رشد خلاقیت چندان جدی گرفته نمی شود در حالی که اصولاً می بایست آموزش بر اساس رشد خلاقیت جایگزین آن باشد.

نیل به این هدف مهم جزء با تغییر نگرشها و روشها که در محتوی برنامهها و شیوههای تربیتی - آموزشی محیطهای غیررسمی (خانواده، اجتماع) و محیطهای رسمی (آموزشگاهها، مدارس، دانشگاهها و...) میسر نیست. چنین هدفی که به عنوان یک مساله مورد توجه پژوهش حاضر قرار گرفته در درجه اول نیاز به بررسی نگرشها، برخوردهای والدین و برداشتهای ذهنی معلمان از خلاقیت دانش آموزان دارد.

2_ معنا و مفهوم خلاقیت

در حقیقت فرد خلاق کسی است که از ذهنی جستجوگر و آفریننده برخوردار باشد. فرهنگ وبستر⁶ (1953) خلاقیت را مترادف اصطلاحاتی مانند اکتشاف، اختراع، ابداع و نوآوری آورده و کلمه خلاقیت را به معنی به وجود آوردن تعریف کرده است. در فرهنگ روانشناسی سیلامی⁷ راجع به معنای خلاقیت چنین آمده است "خلاقیت همان تمایل و ذوق به ایجادگری است که در همه افراد و در همه سنین به طور بالقوه موجود بوده و با محیط اجتماعی - فرهنگی، پیوستگی مستقیم و نزدیک دارد. شرایطی لازم است تا این تمایل طبیعی به خودشکوفایی برسد. ترس از انحراف و سعی در همنوایی با اجتماع، خلاقیت را به بند می کشد. کودکان خردسال که از امور و وقایع در شگفت می شوند و می کوشند که تازگیها جهان را دریابند و ضمناً تا زمانی که تحت تأثیر تعلیم و تربیت متعارف قرار نگرفته اند به نحوه ویژه ای خلاق می باشند (کفایت، 1373، 61). از مضمون تعاریف و توضیحاتی که در مورد ماهیت و کارکرد خلاقیت داده شده است چنین پیداست که در واقع خلاقیت برآیند نوع تفکر بدیع و بی بدیل افراد است که ممکن است به تولید محصول عینی نیز منجر گردد. بنابراین شایسته خواهد بود به جای لفظ خلاقیت، اصطلاح تفکر خلاق را بکار برد.

در مجموع تفکر و عملکرد خلاق نسبت به ایدهها و تجارب قبلی بشری نو شمرده شده، عامل تغییر و تحول بوده و الزاماً می بایست به حال انسان و جامعه نیز مفید باشد مانند ایدههای جدید، ابتکارات، اختراعات و اکتشافات. معنای خلاقیت عبارت است از توانایی یا قدرت ذهنی یا بدنی برای ساختن یا بازسازی واقعیت به نحوی منحصر به فرد (دافی، برنات، 1380 ص 38). ماکس ورتایمر روانشناس گشتالت⁸ عبارت مناسب تفکر آفرینشی را نخستین بار ابداع و آنرا تفکری توصیف کرد که واقعاً به چیزی مفید می انجامد (برونو، 1370، ص 82). تورنس تفکر خلاق را به حاصل وقوع انفجارات بینش درونی افراد تعبیر می کند (تورنس، 1979، ص 24) اورت شوستروم⁹ (1967) نویسنده کتاب مشهور "روانشناسی انسان سلطه جو"¹⁰ رفتار خلاقانه را یک رفتار خویشتن ساز در عین حال سلطه جویانه می شمارد و می گوید "من رفتار خلاقه را یک رفتار خویشتن ساز، تعریف می کنم. رفتار خویشتن ساز نوعی رفتار سلطه جویانه است که به صورت خلاقه تری ظاهر می گردد. همه ما سلطه جو هستیم لیکن به جای آنکه رفتار سلطه جویانه خود را طرد کنیم، باید آن را تغییر داده و به رفتار خویشتن ساز تبدیل نمائیم (سرمد، 1362، ص 25). کالهنون (1961) خلاقیت را دارای ماهیت ذاتاً عاطفی دانسته و آن را فرآیندی می شمارد که طی آن فرد خلاق عناصر نامعقول و احساسی را به عناصر عقلی و آگاهانه تبدیل کند.

6 - Webster

7 - Sillamy

8 - Gestalt

9 - Evertt Shostrom

10 - Man 'the manipulator

2_1_ نظریه‌های خلاقیت

در مورد خلاقیت چون سایر مفاهیم روانشناسی دیدگاه‌های مختلف و متفاوتی وجود دارد که ماهیت، خاستگاه و کارکرد آن را به شکلی خاص تبیین می‌نماید. در این مجال به اختصار به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

- خلاقیت به‌عنوان ودیعه الهی¹¹: در دنیای باستان، فیلسوفانی چون افلاطون معتقد بودند که خداوند اذهان این‌گونه مردان را از آن‌ها گرفته و با دادن قوه ابتکار آنان را به‌عنوان سفیرانش بکار می‌گیرد (پلاتو¹² 1925). عنصر خلاقیت فرد یک هدیه خداوندی است و بیش از آنکه از تربیت ناشی شود از الهام ناشی می‌شود (کارلایل¹³ 1934). سامرست موام نیز معتقد بود الهام پایه و اساس تفکر خلاق است (میدینیا، 1384، ص 163).

- خلاقیت به‌عنوان دیوانگی¹⁴: این دیدگاه قدیمی خلاقیت را نوعی جنون و دیوانگی تلقی می‌کند غیرعادی بودن، بی‌ارادگی، خودجوشی و ظاهر غیر عقلانی خلاقیت عاملی بود که افرادی چون لمبروزو (1981) خلاقیت را نتیجه آسیب عقلی دانسته و برای اثبات ادعای خود نمونه‌هایی از افراد نابغه و مشاهیر را نام برد که کم‌وبیش عصبی و یا دیوانه بوده‌اند. مثلاً فیلسوفی چون نیچه در تمام زندگی بخصوص زمان خلق آثار خودبین حالت تعادل و عدم تعادل روانی به سر برده است. امروزه نیز افراد عامی بعضاً کار غیرعادی و خلاقانه را که تا حدود زیادی از استانداردهای رفتاری و عرف جامعه متفاوت باشد بیمارگونه می‌پندارند. بر اساس تحقیقات انجام‌شده خودکشی، تمایل کمتر به ازدواج و داشتن فرزند کمتر و طلاق زیاد در زندگی افراد خلاق بیشتر از نرم جامعه است. تحقیقات جدید صورت گرفته بر اساس معیارهای DSM-IV¹⁵ (چهارمین ویرایش سیستم طبقه‌بندی بیماری‌های روانی - انجمن روان‌پزشکی آمریکا) نشانگر شیوع بیشتر اختلالات روانی در میان افراد خلاق است. شایع‌ترین اختلالات انواع بیماری‌های اسکیزوفرنیا و اختلالات خلقی گزارش شده است. امیل کراپلین طی تحقیقات خود به این نکته اشاره می‌کند که احتمالاً اختلال روانی مانیا¹⁶ (شیدائی) باعث دگرگونی‌هایی در فرآیند تفکر شده و منجر به افزایش خلاقیت گردد. خودکشی و اختلالات روانی بیشتر در میان هنرمندان که مصادیق بارز خلاقیت محسوب می‌شوند دلیل دیگر ارتباط بیماری‌های روانی و خلاقیت شمرده می‌شود. فلیکس پست (1994)

روانشناس انگلیسی با بررسی فراوانی اختلالات روانی در بین افراد خلاق و برجسته نشان داده است که ارتباطی بین این دو عامل وجود دارد (احدی، مظاهری و فخری، 1371، ص 3). عامه مردم نیز کم‌وبیش در مورد ایده‌های خلاقانه نظر نامناسبی دارند بطوریکه با مسخره کردن و دیوانه پنداری موجب یاس افراد خلاق می‌شوند. برناردشو در این باره می‌گوید " تمام اندیشه‌های بزرگ ابتداء مسخره پنداشته می‌شوند " (موید نیا، 1384، ص 164).

3_ تنوع فرهنگی در رابطه با فرزند پروری

به‌رغم اتفاق نظر زیاد در مورد مزایای فرزند پروری مقتدرانه، گروه‌های قومی اغلب عقاید و شیوه‌های فرزند پروری خاص خودشان را دارند. برخی از آن‌ها توقعات متفاوتی دارند که وقتی ارزش‌های فرهنگی و شرایط زندگی خانوادگی آن‌ها را در نظر می‌گیریم، سازگارانه هستند. برای مثال، بزرگسالان چینی، شیوه‌های تربیت خود را بسیار پرتوقع توصیف می‌کنند. آن‌ها از نظر آموزش و برنامه‌های اوقات فرزندانشان، رهنمود بیشتری می‌دهند - این تأکید، بیانگر عقاید کنفوسیوسی به اهمیت انضباط قاطع، احترام به بزرگ‌ترها و آموزش رفتار جامعه پسند است (برنت و همکاران 1993، چائو، 1994، هانت سینگر، خوزه، و لارسون، 1998). در خانواده‌های آمریکای لاتینی و جزایر آسیایی اقیانوس آرام، کنترل شدید والدین (مخصوصاً توسط پدر) با محبت شدید مادر همراه می‌شود. اعتقاد بر این است که این ترکیب، فرمانبرداری و تعهد خانوادگی قوی در کودکان ایجاد می‌کند (هاریسون و همکاران، 1994).

گرچه بین آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار، تنوع زیادی وجود دارد، مادران سیاه‌پوست (به‌ویژه آن‌هایی که جوان‌تر، کمتر تحصیل کرده و مجرد هستند)، اغلب به شیوه بزرگسال محوری متکی هستند به طوری که انتظار دارند فرزندانشان بی‌چون‌وچرا اطاعت کنند (کلی، پاور و

¹¹ - Granted By God

¹² - Plato

¹³ - Carlyle

¹⁴ - Insanity

¹⁵ - Diagnostoc and statistical manul of mental disorder. 4Rd Ed.

¹⁶ -Mania

ویمباش، 1992). والدین سیاه‌پوست برای ایجاد اعتماد به نفس، خویشتن‌داری و هوشیار بودن، نسبت به شرایط زندگی مخاطره‌آمیز، از شیوه فرزند پروری بسیار قاطع استفاده می‌کنند (برودی و فلور، 1998). هماهنگ با این دیدگاه، در چندین تحقیق معلوم شد که انضباط بدنی در اوایل کودکی، پرخاشگری در سال‌های دبستانی را فقط در کودکان آمریکایی قفقازی تبار و نه کودکان آمریکایی آفریقایی‌تبار، پیش‌بینی کرد (دی‌تر- دکارد و دوج، 1997، دی‌تر - دکارت و همکاران، 1996). این بدان معنی نیست که کتک زدن روش موثری است، بلکه حاکی از آن است که تفاوت‌های قومی در نحوه‌ای که کودکان رفتار والدین خود را در نظر می‌گیرند می‌تواند پیامدهای آن را تغییر دهد. (سید محمدی، 1385، 384).

4_ جامعه آماری^{۱۷} تحقیق

جامعه آماری مورد نظر در این تحقیق مشتمل است بر کلیه دانش‌آموزان پسر و دختر مدارس مقطع ابتدایی شهر یاسوج و والدین آن‌ها. بر اساس آمار منتشره از سوی سازمان آموزش و پرورش استان مجموعاً 2094 نفر دانش‌آموز پسر و دختر در 89 کلاس مقطع ابتدایی و راهنمایی تحت پوشش سازمان ملی پرورش (سمپاد) استان که شامل سه مرکز یاسوج، خوی و میاندوآب می‌باشد مشغول تحصیل هستند. از این میان جامعه آماری مورد مطالعه این تحقیق شامل کلیه دانش‌آموزان مشغول تحصیل پسر و دختر مدارس پرورش مقطع ابتدایی شهر یاسوج در سال 1400-1399، والدین آن‌ها و مربیان مدارس مذکور می‌باشد که مجموعاً 427 نفر دانش‌آموز دختر و پسر (209 نفر پسر و 218 نفر دختر) تمامی والدین آن‌ها (427 نفر) و معلمان به تعداد 76 نفر (40 نفر مربی مدرسه پسرانه و 36 نفر مربی مدرسه دخترانه) را شامل می‌شود.

روش نمونه‌گیری^{۱۸} تحقیق محدود بودن حجم جامعه آماری موجب شد تا بنا به تأمین اعتبار پژوهش و مطابق مشورت استاد راهنما، کل جامعه دانش‌آموزان شاغل و والدین آن‌ها مدنظر قرار گرفته و عمل نمونه‌گیری را در مورد دانش‌آموزان و والدین آن‌ها منتفی نموده و 100 درصد آن‌ها را انتخاب نماییم.

ابزارهای اندازه‌گیری^{۱۹} تحقیق (مشخصات پرسشنامه‌ها)

آزمون زمینه‌یابی مداد کاغذی چند جوابی سنجش خلاقیت^{۲۰} (MPPT) تورنس

این پرسشنامه (ضمیمه شماره 1) در ادبیات روانشناسی به آزمون خلاقیت تورنس مشهور و بر پایه تعریف وی از خلاقیت ساخته شده است. گرفته است. فرم مورد استفاده ما توسط دروز و تی هن^{۲۱} (1957) تنظیم گردیده که 30 سوال تک مفهومی پنج گزینه‌ای (از موافقت کامل تا مخالفت کامل) را شامل می‌شود که مواد آن به سه مقیاس فرعی مساوی تقسیم شده و در سال 1372 به همت اساتید دانشگاه اهواز و زیر نظر آقای دکتر شکر کن و دکتر نجاریان ترجمه و معرفی شده است. در فرم مورد استفاده هر 10 سوال پرسشنامه، یک مقیاس فرعی یعنی سلطه‌گری، وابستگی شدید و سهل‌انگاری را می‌سنجند.

4_1_ روش‌های آماری تجزیه و تحلیل داده‌های^{۲۲} تحقیق

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نسبت به نوع متغیرهای تحقیق از روش‌های آمار توصیفی (معیارهای تمرکز، معیارهای پراکندگی و جداول فراوانی همراه با نمودارهای مربوطه) و برای تبیین فرضیات تحقیق از روش‌های استنباطی پارامتریک (آزمون همبستگی و آزمون T و تحلیل واریانس) بر اساس نرم‌افزار آماری SPSS 13^{۲۳} استفاده شده است

¹⁷ - Statistical universe (Populatoin)

¹⁸ - Sampling method

¹⁹ - Measurment instruments

²⁰ - Multiple choice paper and pencil test for measuring creativity (MPPT)

²¹ - Drews & Teahn

²² - Data analisis method

²³ - Statiscal pakager for the social sciences 13 (SPSS13)

5_ نتایج تحقیق

فرضیات تحقیق:

فرضیه اصلی: بین نگرش‌های فرزند پروری والدین و رشد خلاقیت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

جدول 1: رابطه خلاقیت با میزان نگرش والدین

خلاقیت کلی	مقیاس انعطاف‌پذیری	مقیاس ابتکار	مقیاس بسط	مقیاس سیالی	میزان همبستگی	نگرش والدین نسبت به تربیت فرزندان
0/20	0/111	0/143	0/161	0/174	P-value	
0/001	0/052	0/013	0/005	0/003		

برای بررسی رابطه خلاقیت کلی تورنس و نگرش والدین از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد با توجه به اطلاعات فوق ملاحظه می‌گردد که میزان رابطه خطی بین مقیاس سیالی و میزان نگرش والدین برابر $r=0/174$ ($P=0/003 < 0/05$)، بوده که میزان این رابطه بین مقیاس بسط با نگرش برابر $r=0/161$ ($P < 0/005$) و با مقیاس ابتکار برابر $r=0/143$ می‌باشد. اما بین مقیاس انعطاف‌پذیری و نگرش والدین رابطه آماری معنی‌دار وجود ندارد ($P > 0/05$) اما در حالت کلی ملاحظه می‌گردد که میزان خلاقیت کلی تورنس با نگرش والدین دارای رابطه آماری به میزان $r=0/20$ می‌باشد که این میزان حاکی از رابطه نسبتاً ضعیفی است. یعنی می‌توان گفت نگرش والدین نسبت به خلاقیت فرزندان تأثیری نسبتاً ضعیفی دارد.

بررسی میزان خلاقیت فرزندان در بین جنسیت آنان:

فرضیه فرعی شماره 1: نگرش‌های فرزند پروری منجر به رشد خلاقیت والدین در مورد دانش‌آموزان پسر و دختر متفاوت است.

جدول 2: مقایسه میانگین میزان مقیاس‌های خلاقیت بین دختران و پسران

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	آماره t	P-value
مقیاس سیالی	دختر	33/61	5/06	2/43	0/015
	پسر	32/18	5/80		
مقیاس بسط	دختر	15/54	3/17	3/35	0/001
	پسر	13/88	3/27		
مقیاس ابتکار	دختر	23/20	4/32	2/56	0/011
	پسر	21/87	5/12		
مقیاس انعطاف‌پذیری	دختر	17/25	2/47	3/88	0/00
	پسر	16/11	3/01		
خلاقیت کلی تورنس	دختر	88/69	12/16	3/09	0/002
	پسر	87/07	13/99		

برای مقایسه تفاوت میزان خلاقیت فرزندان بین جنسیت از آزمون t گروه‌های مستقل استفاده گردید یافته‌های به‌دست‌آمده بیان می‌دارد که میانگین خلاقیت در دختران و پسران به ترتیب برابر $(33/61 \pm 5/06)$ ، $(32/18 \pm 5/80)$ است با ملاحظه نتیجه آزمون t فرضیه H_0 در سطح خطای 0/05 معنی‌دار است به عبارت دیگر میزان نمرات مقیاس سیالی خلاقیت در دختران بیشتر از پسران می‌باشد. ($P < 5\%$)، اما در بررسی میزان خلاقیت بسط بین دختران و پسران دانش‌آموز، ملاحظه گردید که این میزان برای دختران برابر $(15/54 \pm 3/17)$ و برای پسران برابر $(13/88 \pm 3/27)$ می‌باشد بطوریکه برابری میانگین گروه‌ها در سطح خطای 5% معنی‌دار است ($P < 5\%$) به بیان دیگر مقیاس بسط در دختران بیشتر از پسران می‌باشد. همچنین میزان مقیاس ابتکار در دختران $(23/20 \pm 4/32)$ و در

پسران برابر $(21/87 \pm 5/12)$ می باشد که این میزان در سطح خطای 5٪ معنی دار است ($P=0/011 < 5\%$) به عبارت دیگر مقیاس ابتکار نیز در دختران بیشتر از پسران می باشد. در بررسی میزان مقیاس انعطاف پذیری دختران و پسران ملاحظه گردید که این میزان در دختران و پسران به ترتیب برابر $(17/25 \pm 2/471)$ ، $(16/11 \pm 3/01)$ می باشند که با مراجعه به نتیجه آزمون t فرضیه برابری میانگین ها در سطح 5٪ بشدت معنی دار است یعنی می توان گفت خلاقیت انعطاف پذیری در دختران بیشتر از پسران می باشد. همچنین در برآورد کلی خلاقیت تورنس بین دختران و پسران نتیجه حاصله دلالت بر برتری میزان خلاقیت دختران نسبت به پسران می باشد. ($P=0/002 < 5\%$)

بررسی میزان خلاقیت در بین پایه های تحصیلی:

فرضیه فرعی شماره 2: میزان خلاقیت دانش آموزان در بین پایه های مختلف تحصیلی متفاوت است.

جدول 3: مقایسه میزان خلاقیت بین پایه های تحصیلی

P-value	F آماره	خطای انحراف معیار	انحراف معیار	میانگین		
.50	.679	.48029	5.19513	32.4359	کلاس اول	مقیاس سیالی
		.44885	4.77139	33.1681	کلاس دوم	
		.59556	6.35885	33.1579	کلاس سوم	
		.29532	5.47737	32.9157	مجموع	
.79	.228	.30766	3.31359	14.5517	کلاس اول	مقیاس بسط
		.32139	3.41644	14.5929	کلاس دوم	
		.28358	3.10641	14.3250	کلاس سوم	
		.17509	3.27091	14.4871	مجموع	
.31	1.175	.48851	5.14680	22.3694	کلاس اول	مقیاس ابتکار
		.40366	4.25278	23.1171	کلاس دوم	
		.45267	4.85437	22.2000	کلاس سوم	
		.25981	4.76942	22.5579	مجموع	
.434	.64	.26721	2.92711	16.6417	کلاس اول	مقیاس انعطاف پذیری
		.22295	2.37004	16.9115	کلاس دوم	
		.27792	3.04448	16.5917	کلاس سوم	
		.14900	2.79941	16.7110	مجموع	
.73	.309	1.33043	13.43664	85.7549	کلاس اول	سنجش میزان خلاقیت کلی تورنس
		1.19450	12.18154	87.1923	کلاس دوم	
		1.40381	14.24709	86.2621	کلاس سوم	
		.75557	13.28174	86.4078	مجموع	

برای بررسی میزان خلاقیت در بین پایه های تحصیلی (اول، دوم و سوم) از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده گردید با رجوع به اطلاعات به دست آمده فوق، مشاهده می گردد که میزان مقیاس سیالی در بین پایه های اول، دوم و سوم به ترتیب برابر $(32/43 \pm 5/19)$ ، $(33/16 \pm 4/77)$ و $(33/15 \pm 6/35)$ می باشد ولی میزان مقیاس بسط در پایه اول برابر $(14/55 \pm 3/31)$ ، در پایه دوم برابر $(14/59 \pm 3/41)$ و در پایه سوم برابر $(14/32 \pm 3/10)$ می باشد اما میزان مقیاس ابتکار در پایه های اول، دوم و سوم به ترتیب برابر $(22/36 \pm 5/14)$ ، $(23/11 \pm 4/25)$ و $(22/20 \pm 4/85)$ محاسبه گردیده است. همچنین میزان مقیاس انعطاف پذیری در پایه اول برابر $(16/64 \pm 2/92)$ ، در پایه دوم $(16/91 \pm 2/37)$ و در پایه سوم برابر $(16/59 \pm 3/04)$ می باشد. با ملاحظه نتیجه آزمون تحلیل واریانس استنباط می گردد که فرضیه H_0 مبنی بر برابری میانگین خلاقیت بین پایه های تحصیلی مورد تأیید است به عبارت دیگر خلاقیت در بین پایه های تحصیلی متفاوت نیست. ($P > 5\%$)

بررسی تأثیر وضعیت رفاهی خانوادگی در میزان خلاقیت

فرضیه فرعی شماره 3: میزان خلاقیت دانش‌آموزان با برخی متغیرهای دموگرافیک پاسخگویان مثل سطح تحصیلات، وضعیت رفاهی و شغل والدین ارتباط معنی‌داری دارد.

جدول 4: مقایسه وضعیت رفاهی خانواده‌ها و خلاقیت دانش‌آموزان

وضعیت رفاهی خانواده	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار	آماره F	P-value	
مقیاس سیالی	رفاه پایین	32.9722	4.99420	.83237	1.26	.28
	رفاه متوسط به پایین	32.6292	4.85560	.51469		
	رفاه متوسط	33.6575	5.32326	.44056		
	رفاه متوسط به بالا	31.7111	7.36275	1.09757		
	رفاه بالا	32.6923	4.36625	1.21098		
	مجموع	33.0000	5.47221	.30169		
مقیاس بسط	رفاه پایین	15.1316	3.26464	.52960	2.58	.037
	رفاه متوسط به پایین	14.2809	3.45421	.36615		
	رفاه متوسط	14.7055	2.88436	.23871		
	رفاه متوسط به بالا	14.3191	3.63023	.52952		
	رفاه بالا	12.0000	3.89444	1.08012		
	مجموع	14.4805	3.26866	.17912		
مقیاس ابتکار	رفاه پایین	22.5405	4.07972	.67070	1.16	.39
	رفاه متوسط به پایین	22.3373	4.71447	.51748		
	رفاه متوسط	22.8231	4.36942	.36038		
	رفاه متوسط به بالا	22.7209	6.26907	.95602		
	رفاه بالا	20.0000	4.16333	1.15470		
	مجموع	22.5387	4.71823	.26253		
مقیاس انعطاف‌پذیری	رفاه پایین	16.2895	2.80836	.45558	.32	.861
	رفاه متوسط به پایین	16.6818	2.33191	.24858		
	رفاه متوسط	16.8562	2.57114	.20786		
	رفاه متوسط به بالا	16.7111	4.33601	.64637		
	رفاه بالا	16.5385	2.33150	.64664		
	مجموع	16.7151	2.82034	.15363		
سنجش میزان خلاقیت کلی تورنس	رفاه پایین	87.2857	12.33019	2.08418	1.028	.39
	رفاه متوسط به پایین	85.4125	12.15167	1.35860		
	رفاه متوسط	87.8047	11.58608	1.02407		
	رفاه متوسط به بالا	85.7250	19.95892	3.15578		
	رفاه بالا	81.2308	10.92515	3.03009		
	مجموع	86.5270	13.22168	.76849		

با توجه به یافته‌های جدول فوق ملاحظه می‌گردد که مقیاس‌های سیالی، ابتکار، انعطاف‌پذیری و خلاقیت کلی تورنس در بین طبقات رفاهی مختلف تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($P > .05$) به‌عبارت‌دیگر وضعیت رفاهی در مقیاس‌های ابتکار، سیالی، انعطاف‌پذیر تأثیر ندارد اما با ملاحظه میزان مقیاس بسط در دانش‌آموزانی که خانواده‌های آنان از وضعیت رفاهی کمتر برخوردارند برابر $(15/13 \pm 3/26)$ و

میزان مقیاس بسط در فرزندان خانواده‌های رفاه متوسط برابر $(14/7 \pm 2/83)$ بوده و این در حالی است که مقیاس بسط در فرزندان خانواده‌های رفاه بالا برابر $(12 \pm 3/89)$ می‌باشد. لذا با ملاحظه نتیجه آزمون تحلیل واریانس فرضیه H_0 معنی‌دار است ($P < 0.05$) به عبارت دیگر مقیاس سیالی فرزندان در خانواده‌های رفاه بالا کمتر است.

بررسی خلاقیت فرزندان بین نگرش والدین

فرضیه شماره 4: رابطه بین میزان مقیاس‌های خلاقیت (سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری) دانش‌آموزان و میزان نگرش‌های فرزند پروری والدین (سلطه‌گری، سهل‌انگاری و وابستگی شدید) متفاوت است.

جدول 5: مقایسه میزان خلاقیت فرزندان با میزان نگرش والدین

P-value	آماره t	خطای انحراف معیار	انحراف معیار	میانگین	میزان نگرش رفتاری والدین	
					مقیاس سیالی	مقیاس ابتکار
.92	-.09	.33847 .98301	5.60275 4.71437	32.9307 33.0435	نگرش متوسط	مقیاس سیالی
					نگرش بالا	مقیاس سیالی
.115	1.58	.19454 .64806	3.23771 3.17486	14.5054 13.4167	نگرش متوسط	مقیاس بسط
					نگرش بالا	مقیاس بسط
.95	.75	.29605 .85240	4.86466 4.08797	22.3556 21.5652	نگرش متوسط	مقیاس ابتکار
					نگرش بالا	مقیاس ابتکار
.58	-.57	.16603 .55555	2.79301 2.60577	16.7845 17.1364	نگرش متوسط	پذیری مقیاس انعطاف
					نگرش بالا	پذیری مقیاس انعطاف
.63	.47	.85895 2.82526	13.52669 12.63496	86.2984 84.8000	نگرش متوسط	خلاقیت کلی تورنس
					نگرش بالا	خلاقیت کلی تورنس

با عنایت به نتایج حاصله در خصوص میزان خلاقیت در بین نگرش رفتاری والدین، با توجه به اینکه سطوح نگرش رفتاری والدین در دو بعد نگرش متوسط و نگرش بالا محدود می‌باشد، از آزمون t گروه‌های مستقل استفاده می‌گردد. نتایج حاصله بیان می‌دارد که میزان خلاقیت در مقیاس سیالی در والدین که نگرش متوسط و بالا دارند به ترتیب برابر $(32/93 \pm 5/60)$ و $(33/04 \pm 4/71)$ محاسبه گردیده است که این دو میزان در سطح خط‌پذیری 5٪ معنی‌دار نیستند به عبارت دیگر مقیاس سیالی فرزندان بین نگرش والدین تفاوت نمی‌کند به همین ترتیب خلاقیت مقیاس‌های بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری نیز بین میزان نگرش رفتاری والدین تفاوت ندارند. به عبارت دیگر چنین استنباط می‌گردد که خلاقیت فرزندان متأثر از نگرش رفتاری والدین نسبت به فرزندان نمی‌باشد. ($P > 0.05$)

بررسی رابطه نوع نگرش رفتاری والدین با خلاقیت

جدول 6: سنجش میزان همبستگی انواع نگرش والدین با خلاقیت فرزندان

نگرش / خلاقیت	مقیاس سیالی	مقیاس بسط	مقیاس ابتکار	مقیاس انعطاف‌پذیری	خلاقیت کلی تورنس
نگرش سلطه‌گری	0.128	0.166	0.117	0.086	0.160
	P-value	0.022	0.003	0.11	0.007
نگرش وابستگی شدید	0.113	0.074	0.096	0.111	0.145
	P-value	0.013	0.180	0.098	0.013
نگرش سهل‌انگاری	0.109	0.108	0.093	0.022	0.119
	P-value	0.062	0.60	0.111	0.052

برای بررسی ارتباط نوع نگرش والدین با خلاقیت از آزمون همبستگی استفاده گردید، اطلاعات به دست آمده از پژوهش بیان می‌دارد میزان پیوند آماری نگرش سلطه‌گری و نگرش وابستگی با خلاقیت کلی تورنس به ترتیب برابر 0.16 و 0.145 می‌باشد که این

میزان‌ها رابطه نسبتاً ضعیفی را شامل می‌گردد. یعنی می‌توان گفت والدین در نوع نگرش خود نسبت به خلاقیت فرزندان با تردید مواجه بوده‌اند. همچنین هیچ رابطه آماری بین نگرش سهل‌انگاری والدین با نوع خلاقیت فرزندان پدید نیامده است ($p < 0.05$). کما اینکه بین مقیاس ابتکار فرزندان با نگرش وابستگی و مقیاس انعطاف‌پذیری با نگرش سلطه‌پذیری نیز پیوند آماری رویت نگردید.

6_ بحث یافته‌های فرضیه‌های تحقیق:

فرضیه اصلی تحقیق:

این نگرش‌های فرزند پروری والدین و رشد خلاقیت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

بررسی رابطه خلاقیت کلی تورنس و نگرش والدین نشان داد که میزان رابطه خطی بین مقیاس سیالی و میزان نگرش والدین برابر $r = 0/174$ ($P = 0/003 < 0/05$) بوده که میزان این رابطه بین مقیاس بسط با نگرش برابر $r = 0/161$ ($P < 0/005$) و با مقیاس ابتکار برابر $r = 0/143$ می‌باشد. اما بین مقیاس انعطاف‌پذیری و نگرش والدین رابطه آماری وجود نداشت ($P > 0/05$). میزان خلاقیت کلی تورنس نیز با نگرش والدین پیوندی به میزان ($r = 0/20$) نشان داد بنابراین نگرش والدین نسبت به خلاقیت فرزندان تأثیری نسبتاً ضعیفی دارد.

فرضیه فرعی 1:

نگرش‌های فرزند پروری منجر به رشد خلاقیت والدین در مورد دانش‌آموزان پسر و دختر متفاوت است.

برای بررسی میزان خلاقیت فرزندان دختر و پسر بر اساس نتیجه آزمون t ، میزان مقیاس سیالی در دختران بیشتر از پسران گزارش گردید. ($P < 5\%$)، در بررسی میزان مقیاس بسط بین دختران و پسران دانش‌آموز، ملاحظه گردید که این میزان برای دختران برابر $(15/54 \pm 3/17)$ و برای پسران برابر $(13/88 \pm 3/27)$ می‌باشد بطوریکه برابری میانگین گروه‌ها در سطح خطای 5٪ معنی‌دار است ($P < 5\%$) به بیان دیگر مقیاس بسط نیز در دختران بیشتر از پسران است. همچنین میزان مقیاس ابتکار در دختران در سطح خطای 5٪ معنی‌دار گردید ($P = 0/011 < 5\%$) بطوریکه مقیاس ابتکار هم در دختران بیشتر از پسران می‌باشد. در بررسی میزان مقیاس انعطاف‌پذیری دختران و پسران ملاحظه گردید که این میزان در دختران و پسران به ترتیب برابر $(17/25 \pm 2/471)$ ، $(16/11 \pm 3/01)$ می‌باشند که با مراجعه به نتیجه آزمون t می‌توان گفت مقیاس انعطاف‌پذیری در دختران بیشتر از پسران می‌باشد. همچنین در برآورد کلی خلاقیت تورنس بین دختران و پسران نتیجه حاصله دلالت بر خلاقیت بیشتر دختران نسبت به پسران می‌باشد. ($P = 0/002 < 5\%$)

فرضیه فرعی 2:

میزان خلاقیت دانش‌آموزان در بین پایه‌های مختلف تحصیلی متفاوت است.

برای بررسی میزان خلاقیت در بین پایه‌های تحصیلی (اول، دوم و سوم) بر اساس تحلیل داده‌ها مشاهده گردید که میزان خلاقیت در مقیاس سیالی در بین پایه‌های اول، دوم و سوم، برابری میانگین خلاقیت بین پایه‌های تحصیلی مورد تأیید قرار گرفت به عبارت دیگر خلاقیت در بین پایه‌های تحصیلی متفاوت نیست. ($P > 5\%$)

فرضیه فرعی 3:

میزان خلاقیت دانش‌آموزان با برخی متغیرهای دموگرافیک پاسخگویان مثل سطح تحصیلات، وضعیت رفاهی و شغل والدین ارتباط معنی‌داری دارد.

در بررسی وضعیت رفاهی ملاحظه گردید که مقیاس‌های سیالی، ابتکار، انعطاف‌پذیری و خلاقیت کلی تورنس در بین طبقات رفاهی مختلف تفاوت معنی‌داری ندارد ($P > 5\%$) به عبارت دیگر وضعیت رفاهی خانواده در خلاقیت مقیاس‌های ابتکار، سیالی، انعطاف‌پذیری تأثیر ندارد اما خلاقیت مقیاس سیالی فرزندان در خانواده‌های رفاه بالا کمتر است.

فرضیه فرعی 4:

رابطه بین میزان عوامل مختلف خلاقیت دانش‌آموزان (سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری) و میزان نگرش‌های فرزند پروری والدین (سلطه‌گری، سهل‌انگاری و وابستگی شدید) متفاوت است.

با عنایت به نتایج حاصله در خصوص میزان خلاقیت در بین نگرش رفتاری والدین، با توجه به اینکه سطوح نگرش رفتاری والدین در دو بعد نگرش متوسط و نگرش بالا محدود می‌باشد، نتایج حاصله بیان داشت که میزان خلاقیت مقیاس‌های سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری در بین میزان نگرش رفتار والدین (متوسط و بالا) تفاوت نداشت. به عبارت دیگر خلاقیت فرزندان متأثر از نگرش رفتاری والدین نسبت به فرزندان نمی‌باشد ($P > 5\%$)

در بررسی ارتباط نوع نگرش والدین با خلاقیت ملاحظه گردید که میزان پیوند آماری نگرش سلطه‌گری و نگرش وابستگی با خلاقیت تورنس به ترتیب برابر 0.16 ، 0.145 می‌باشد که این میزان‌ها رابطه نسبتاً ضعیفی را شامل می‌گردد. یعنی می‌توان گفت والدین در نوع نگرش خود نسبت به خلاقیت فرزندان با تردید مواجه بوده‌اند. و هیچ رابطه آماری بین نگرش سهل‌انگاری والدین با نوع خلاقیت فرزندان پدید نیامده است ($p < 0.05$).

7_ نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق حاکی است $0/11/6$ دانش‌آموزان خلاقیت بسیار زیاد، $0/42/2$ خلاقیت زیاد، $0/28/7$ خلاقیت کم و $0/17/5$ خلاقیت بسیار کم از خود نشان دادند که $0/53/8$ بالاتر از متوسط و $0/46/2$ نیز پائین تر از حد متوسط می‌باشند. درحالی که اکثریت والدین ($0/92/5$) نگرش حد متوسطی به رشد خلاقیت فرزندان دارند. فلذا از نظر شیوه‌های فرزند پروری و میزان خلاقیت دانش‌آموزان همخوانی زیادی وجود نداشته و رابطه آماری معنی‌داری نیز به دست نیامده است. بطوریکه ارتباط ضعیف ($r = 0/20$) بین میزان خلاقیت دانش‌آموزان و نگرش‌های فرزند پروری والدین گویای این امر بوده و عامل خلاقیت به‌طور معنی‌داری متأثر از نگرش والدین نیست. یعنی والدین دیدگاه‌های تربیتی روشن و جهت‌داری که بتواند رشد قوه ابتکار و نوآوری کودکان را پشتیبانی و حمایت کند نداشته و در تربیت فرزندان گرایش‌های محافظه‌کارانه‌ای دارند که می‌تواند دلیلی بر تقدم و اهمیت موفقیت تحصیلی فرزندان بر رشد خلاقیت از نظر والدین باشد و یا اینکه عوامل مختلفی در رشد خلاقیت کودکان مؤثر هستند که نگرش‌های فرزند پروری یکی از آنهاست و یا اینکه اثرات رفتاری والدین که می‌تواند متفاوت از نگرش باشد مهم‌تر است و نهایت اینکه اکثر والدین بنا به دلایلی در این خصوص ابهام و اکراه دارند. با وجود این ارتباط برخی از عوامل تشکیل‌دهنده خلاقیت با نگرش‌های والدین، جنسیت دانش‌آموزان، تحصیلات و شغل والدین، وضعیت رفاهی خانواده‌ها و... که مربوط به فرضیه‌های فرعی تحقیق می‌باشد قابل توجه است بطوریکه برای والدین موفقیت تحصیلی فرزندان مهم‌تر از رشد خلاقیت بوده و در مقام مقایسه میانگین نمرات خلاقیت دختران بیشتر از پسران است تحقیق کفایت (1373) همین نتیجه را تأیید می‌کند البته چنین نتیجه‌ای می‌تواند ناشی از بلوغ زودرس و تفاوت در سن رشد جسمی - روانی دختران نیز باشد. توزیع فراوانی میزان خلاقیت دانش‌آموزان نیز به ترتیب برای بسیار کم، کم، زیاد و بسیار زیاد $17/5\%$ ، $28/7\%$ ، $42/2\%$ و $16/6\%$ می‌باشد. لکن تفاوت معنی‌داری از نظر میزان خلاقیت در بین پایه‌های مختلف تحصیلی مشاهده نگردید. همچنین میزان عوامل چهارگانه خلاقیت (بسط، سیالی، ابتکار و انعطاف‌پذیری) در دختران بیشتر از پسران است. در مورد متغیرهای دموگرافیک نتایج حاکی است: 1- مقیاس خلاقیت سیالی فرزندان خانواده‌های مرفه کمتر است که می‌تواند دلیلی بر اهمیت و تقدم موفقیت تحصیلی بر رشد خلاقیت در این طبقه و بالا بودن انگیزه تغییر و انتظار در بین طبقات پائین اجتماع باشد 2- اکثریت پدران (حدود $0/60$) و مادران (حدود $0/48$) دانش‌آموزان دارای تحصیلات عالی لیسانس و بالاتر هستند. شغل اغلب مادران را خانه‌داری ($0/67$) و معلمی ($0/25/3$) و شغل اغلب پدران را کارمندی ($0/38/3$) و آزاد ($0/27$) تشکیل می‌دهد.

8_ فهرست منابع فارسی

- احدی، حسن و مظاهری. خلاقیت. 1387 (<http://www.afrinsh daily.ir>).
- برونو، فرانکو. (1370). فرهنگ توصیفی روانشناسی، ترجمه مهشید یاسائی و فرزانه طاهری، انتشارات طرح نو
- تافلر، الوین. (1373). شوک آینده، ترجمه حشمت الله کامرانی، چاپ گلشن تهران
- تافلر، الوین. (1371). موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی. انتشارات پوریا
- تورنس، ئی پال. (1372). استعدادها و مهارتهای خلاقیت، مترجم دکتر حسن قاسم زاده، نشر دنیای نو
- دافی، برنادت، (1380). تشویق خلاقیت و تخیل در کودکان، ترجمه مهشید یاسائی، انتشارات ققنوس
- سرمد، زهره و بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (1385). روشهای تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات آگه
- کفایت، محمد. (1373). بررسی ارتباط شیوه‌ها و نگرشهای فرزند پروری با خلاقیت دانش‌آموزان سال اول دبیرستانهای اهواز
- موید نیا، فریبا. (1384). بررسی انگیزه نوآوری معلمان و ارتباط ساختار سازمانی مدرسه در مدارس دخترانه شهرستان خوی
- هارتلی بروئر، الیزابت. (1384). ایجاد انگیزه در کودکان، مترجم احمد ناهیدی، انتشارات جوانه رشد

Investigating students' creativity with parents' parenting attitudes in Yasouj primary schools

The purpose of the research is to investigate the creativity of students with parenting attitudes of parents in primary schools of Yasouj city. In order to test the research hypotheses, the necessary information has been collected through the implementation of two questionnaires as described below. 1- Multi-answer paper-pencil contextualization test to measure creativity. 2- Contextualization questionnaire to evaluate the attitude of parents in society and the statistical sample consisted of 209 boys and 218 girls (427 people in total) and their parents. Analysis of results and data using descriptive and inferential statistical methods such as frequency, mean, Pearson's correlation coefficient, standard deviation, t-test, analysis of variance, etc. has been done by SPSS13 statistical software package. The results of the research show that 11.6% of students showed very high creativity, 42.2% high creativity, 28.7% low creativity and 17.5% very low creativity, 53.8% above average and 2.2 46% is also below the average. The majority of parents (92.5%) also have an average attitude towards the development of children's creativity. In terms of parenting methods and students' creativity level, no significant statistical relationship has been obtained ($r=20\%$). That is, parents do not have clear and directional educational views that can support and support the growth of children's creativity and innovation, and they have extremely conservative tendencies in raising children, which can probably be a proof of the priority and importance of academic success over the growth of creativity. The relationship between some of the factors that make up creativity with parents' attitudes, students' gender, parents' education and occupation, the well-being of families, etc., which is related to the sub-hypotheses of the research, is significant.

Key words: creativity, parenting styles, attitude